

تحلیلی پیرامون کوچ نشینی و اثر آن بر فرهنگ شهرها و روستاها
 دکتر سیدرحیم مشیری - گروه آموزشی جغرافیا، دانشگاه تهران

مقدمه

مساله کوچ نشینها، کوچروها، رمه گردانها، ایلات و عشایر، کولیها و همه گروههایی که به نحوی با کوچ نشینها مرتبطند، در سالهای پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن به وسیله دانشمندان روز علوم اجتماعی، اقتصاد، مدیریت، مردم شناسی، باستان شناسی و دیگر دانشمندان به ویژه جغرافیدانان، بررسی شده است. نگارنده در مقاله‌ای به نام "پراکندگی جغرافیایی نومادیزم" که در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۹۷-۹۸ سال ۱۳۵۶ چاپ شده، خطرات نابودی این قشر را یادآوری کرده است. سازمان ایلات و عشایر، وابسته به وزارت جهادسازندگی نیز برنامه‌های کوتاه و دراز مدتی برای دوام و بقای این قشر تهیه کرده است که اینک در برنامه‌های دولت قرار دارد.

انگیزه تهیه این نوشتار، تعریف اصطلاحات و فرهنگ کوچ نشینها و نحوه پراکندگی آنان در این سرزمین، از دیدگاه جغرافیاسست. در ضمن سوابق تاریخی کوچ نشینی و علل غلبه فرهنگ کوچ نشینان بر شهرها و روستاها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. علل فرار عشایر از مناطق خود و روی آوری آنها به طرف شهرها و اشتغال کاذب، بحث دیگری است که جای آن در این مقاله نیست.

امیدوار است این تحقیق مختصر، مقدمه و آغازگری برای پژوهشهای عمیقتر جغرافیدانان و محققین سایر رشته‌های مربوط باشد.^۱

۱- این مقاله تحلیلی شخصی است که در اثر سالها تدریس در دانشگاهها به دست آمده است. ضمناً از منابعی نیز استفاده شده که تعدادی از آنها در متن آمده و بقیه به اختصار ذکر شده است.

تعاریف

امروزه کوچ نشینی از دیدگاه جغرافیای علمی، گفتاری است که در جغرافیای انسانی، در بحث جغرافیای جمعیت گنجانیده شده است. جغرافیدانان، جمعیت را به سه گروه شهر نشین، روستا نشین و کوچ نشین تقسیم کرده و گروه اول و دوم را یکجانشین و گروه سوم را کوچ نشین قلمداد کرده اند. از این گروهها دسته‌هایی به نقاط مختلف مهاجرت می‌کنند که با جابه‌جایی و کوچ کردن فرق زیادی دارد، زیرا حرکت کوچ نشینی دارای نظم مخصوصی است که در مهاجرت وجود ندارد.^۱

گاهی این پرسش پیش می‌آید که تفاوت یکجانشینی شهری و یکجانشینی روستایی در چیست؟ پاسخ در اقتصاد این گروههاست، زیرا شهر اقتصاد مخصوص به خود و روستا اقتصاد جداگانه‌ای دارد. همچنین دامداری در روستا و دامداری در کوچ نشینی نیز با یکدیگر متفاوتند. دامداری در کوچ نشینی حرکت‌هایی طولانی و منظم دارد، در حالی که دامداری در روستا فاقد چنین حرکت‌هایی است. در مورد ارتباط ایل و کوچ با یکدیگر باید گفت:

هر ایلی کوچ نشین نیست، ولی هر کوچ نشین عضو ایل است.

شاید عشایری یا ایلی دیده شوند که در عین یکجانشینی، فرهنگ و خصایص خود را کاملاً حفظ کرده باشند و عشایر دیگری با همان مشخصات کوچ نشین باشند. برای اطلاع بیشتر باید دید چگونه در آنها کوچ پیدا شده است. به این منظور باید پالئوژئوگرافی و تمدنهای اولیه انسان را مطالعه کرد. هنگامی که تمدنهای قدیم مصر، یونان، بین‌النهرین، سند، گنگ، چین و سایر تمدنها را مطالعه کنیم متوجه حضور کوچ نشینانی در حاشیه این تمدنها می‌شویم که در اثر عوامل طبیعی و شرایط انسانی و اجتماعی، معیشت خود را از کوچ تأمین می‌کردند. زندگی اولیه این انسانها از طریق شکار، صید

۱- لغت مهاجرت از هجرت آمده که شامل حرکت انسانهای مختلف با خصایص ناهمگونی است که به طور دائم یا موقت به نقاط مختلف می‌روند و تابع شرایط خاصی هستند که دارای نظم نیست، بهتر است بجای مهاجرت رحل یا رحیل گفته شود، مانند رحل اقامت.

ماهی و استفاده از میوه‌های جنگلی بوده و تابستانها در فضای باز و زمستانها در غارها و زیر زمینها مسکن داشتند. اینان هنگام شکار، حیوانات را تعقیب می‌کرده و بنابراین، کوچ را از حیوانات آموختند. پس از مدتی، برای ذخیره، غذایی، حیوانات زنده را شکار و آنها را برای قوت زمستانی نگهداری می‌کردند. در زمستان این حیوانات بیشتر شامل گوزن و بزگوهی یا حیواناتی بوده که در برابر سرما مقاومت داشتند، در تابستان حیوانات منطقه پست یا گرم مانند آهو یا حیواناتی را می‌توان نام برد که تاب مقاومت در برابر سرما را نداشتند. انسان پس از نگهداری دام، همانگونه که گفته شد در تعقیب حیوانات کوچ را فرا گرفت و طبق تغییر فصول و ناهمواری و عوامل دیگر، با حیوانات و تمام وسایل زندگی خود کوچ منظم را آغاز کرد.^۱

در کوچ کردن اولیه چند اصل رعایت می‌شده که اساس و پایه، کوچ نشینی است:

۱- شرایط اقلیم (طبق چهار فصل).

۲- حیوان ملك جداشدنی انسان بوده است.

۳- مرتع و آب میان آنان مشترك بوده است.

ازدیاد جمعیت، شبیخونها و غارتها باعث پیدایش مالکیت و همجواری با تمدنها، سبب به وجود آمدن کشاورزی در جوامع کوچ نشین شده است. مثلاً ایلات قاجار، کشاورزی را از ترکمنها آموختند و ترکمنها آن را از ماوراءالنهر به مناطق خود آورده و بخشی از اقتصاد خود را به وسیله کشاورزی تامین می‌کردند. از این رو با پیدایش مالکیت و کشاورزی، نوما دیزم مطلق قجر به نیمه نوما دیزم (نیمه کوچ نشین) تبدیل شد و کم کم در زمان سلسله پهلوی، ایلات^۲ از طریق کوچ، کشاورزی را بردامداری ترجیح دادند و بیشتر آنها پیش از سلسله پهلوی به شهرها روی آوردند و شهرنشین شدند. تا

۱- امروزه مشخص شده است که علاوه بر کوچ حیوانات و پرندگان، جانوران دریایی نیز کوچ می‌کنند.

۲- ایل قاجار از دوطایفه اشاقوباش و یوخاری باش تشکیل شده که در قرن ۱۸ در منطقه گرگان و اترک زندگی کوچ نشینی داشته‌اند.

زمان ناصرالدین شاه قاجار روسای ایل به طور سمبلیک وجود داشتند، ولی پس از وی این روسا که جنبه تشریفاتی داشتند منسوخ شدند. در دوره پهلوی بقیه ایلات قاجار زمینهای خود را فروختند و به شهرها روی آوردند. گروهی از آنان به کشاورزی و گروهی نیز به باغداری پرداختند و آرام آرام، در کنار باغها، روستاها تکامل یافت و به صورت شهرهایی چون آزادشهر (شاه پسند) آق قلعه و بندر ترکمن گسترش پیدا کرد. در مورد ایلات ترکمن نیز این تکامل مصداق دارد.

اگر نظری به غرب دریای خزر، یعنی ایلات ایل سون (شاهسون سابق) بیندازیم، باز به همین مساله برمیخوریم. نومادهای مطلق این منطقه، کشاورزی را از اطراف خود آموخته و دسته‌های زیادی از آنها به کشاورزی در دشت مغان پرداخته و پس از آن باغداری کرد. ندو سرانجام روستاها بسسه شهرکها یا شهرها تبدیل شده است. این تکامل را در ایلات ایران از جمله ایلات قشقایی و ایلات دیگر مشاهده می‌کنیم.

گسترش شهرگرایی یا یکجانشینی شهری به دلیل ازدیاد جمعیت و اقتصاد کاذب شهری به صورت امراض اپیدمی، چنان رشد و گسترش یافته که اقتصاد دامداری کوچ نشینان، آسیب پذیر شده است. در شرایط فعلی مشاهده می‌شود که هر سال دسته‌های زیادی به طور وسیع به سوی شهرها روی می‌آورند و به مشاغلی چون فروش قاچاق اجناس، سیگار فروشی و غیره می‌پردازند.

۱- کوچ

کوچ دارای نظم است که در حرکات دیگر وجود ندارد. برای تعریف کوچ، نخست به تعاریفی که فرهنگها و دانشمندان جغرافیدان و دیگر علماء داشته‌اند، اشاره‌ای کرده و سپس به تعریف کوچ از دیدگاه خود خواهد پرداخت. کوچ یعنی:

- از منزلی و مقامی به منزل و مقام دیگر رفتن.^۱

- از منزلی به منزلی رفتن با ایل و اهل‌وعیال و اسباب‌خانه^۱.
- انتقال، جلای وطن، مهاجرت و انتقال ایل یا لشکر از جایی به جایی.^۲
- رحیل، مهاجرت^۳.
- زندگی و جابجایی موسمی و سالیانه که گروهی از مردم همراه با چهار-پایان خود از محل چادرهای زمستانی تا چراگاه‌های تابستانی انجام می‌دهند.^۴
- که چ نشین کشی است که در طول سال، زیستگاهش چند بار جابه‌جا شود و یک زیستگاه معین برنگزیند.
- کوچ نشینی، اساساً " و عمدتاً " مبتنی بر دامداری یا رمه گردانی و به طور کلی پرورش دام است.^۵
- همچنین آقایان جوادصفی نژاد و اسکندرآمان‌اللهی نیز تعاریف دیگری در کتب خود ارائه داده‌اند.
- هدف مادر این مقاله، تعریف کوچ نشینی به معنی اعم خواهد بود و تعریف اخص گرایش به آن از دیدگاه جغرافیا ست. علم جغرافیا به طور اعم در همه موارد هماهنگی و سازگاری بین انسان و محیط را در نظر دارد. نگارنده به طور اخص کوچ نشینی را این طور تعریف کرده است:
- کوچ نشینی حرکت منظم و سالیانه یا فصلی قوم یا قبیله‌ای است که با عوامل طبیعی یعنی موقعیت جغرافیایی، ناهمواریها، اقلیم، شبکه آب، خاک و پوشش گیاهی در رابطه با جانوران، و شرایط انسانی یعنی سوابق تاریخی، نژاد، زبان، مذهب، و همچنین شرایط اجتماعی^۶ یعنی فرهنگ، آداب، سنن، عادات و خصوصیات دیگر ... ارتباطی مستقیم دارد و برای ارتزاق انجام می‌گیرد. برخی از دانشمندان از میان عوامل طبیعی، اقلیم و برخی دیگر ناهمواریها را مهمترین عامل برای کوچ قلمداد کرده‌اند و گروهی

- ۱- فرهنگ دبیرسیاکی
- ۲- فرهنگ معین، ۶ ج، ج ۳، امیر کبیر، ص ۳۱۱۴.
- ۳- لغت نامه دهخدا، ۵۰ ج، ج ۴۰، ص ۳۰۶.
- ۴- پرویز ورجاوند، بررسی ایلات و عشایر ایران
- ۵- کاظم ودیعی، جغرافیای انسانی ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
- ۶- در رابطه با اقتصاد دامداری، اقتصاد کشاورزی و سایر معیشت‌ها در مقاله دیگری به نام اشکال و انواع کوچ نشینی و اقتصاد آنها بحث خواهد شد.

نیز مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را عامل مهم کوچ فرض می‌کنند.^۱ دانشمندان و جغرافیدان فرانسوی دوپلانول^۱ که سالها در ایران پیرامون کوچ نشینان تحقیق کرده، از جمله کسانی است که عامل اقلیم را مهمترین عامل کوچ می‌داند.^۲

۲- سوابق تاریخی

در تکامل کوچ نشینی و شهرنشینی، گاه شهر نشینان و زمانی کوچ نشینان برتری خود را نشان داده و بر این سرزمین حکمرانی کرده‌اند.^{۱۰} از بین حکومت‌های شهر نشین می‌توان به هخامنشیان، ساسانیان، صفاریان، آل بویه، آل زیار، خوارزمشاهیان، صفویه و پهلوی اشاره کرد. از حکومت‌های کوچ نشین مسلمانان، مغولها (ایلخانان)، افشاریه و قاجاریه را می‌توان نام برد.^{۱۰} در مورد برتری و حکومت در سایر نقاط جهان نیز وضع تقریبا " به همین نحو بوده است.

در کشور ما، در دوره برتری شهرنشینان، حکومت‌های وقت علاوه بر فرهنگ شهر نشینی، از نظر نژادی، زبان، مذهب، مبکن و سایر موارد نیز تاثیر زیادی داشته‌اند.^{۱۰} از ایلات و عشایر ایران که فرهنگ ایرانی را تاحدی حفظ کرده و به زبان سلیس فارسی گفتگو می‌کنند و کمتر تحت تاثیر فرهنگ‌های دیگر قرار گرفته‌اند، ایل بختیاری و بویر احمد و کهگیلویه را می‌توان نام برد.^{۱۰} اصطلاحات جغرافیایی فارسی مانند کوه، کوهستان، دشت، دمن، بیابان، آباد، رود، رودخانه، چم، قنات، چشمه، تبار، دسته، چادر، شبان، چوپان، نمازخانه و بسیاری دیگر هنوز میان آنها رواج دارد.^{۱۰}

ایلات غیر ایرانی نیز فرهنگ و اصطلاحات جغرافیایی خود را به سرزمین ما آورده و در همه جای کشور اسلامی رواج داده‌اند که از جمله آنها فرهنگ عربی یاسامی است که از طریق دین مبین اسلام به ایران آمده و با خود اصطلاحاتی را در مرز و بوم ما پراکنده است.^{۱۰} از جمله اصطلاحات جغرافیایی طبیعی مانند: جبل، جبال، سلسله، معبر، صحرا، وادی، نبقا، سبقا، بحر

1- Deplanol

۲- دوپلانول، جغرافیای انسانی شمال ایران، سیروس سهامی

نهر، بین النهرین، ماوراءالنهر، باب، احمر، ابیض، اسود، شط، شطیط و از اصطلاحات جغرافیایی انسانی مانند حدفاصل، عشایر، طایفه، حرکت رحل، رحیل، مهاجرت، خیمه، مسجد، سند و غیره، کوچ نشینی افقی نیز از نوع سامی است و از آنجا که منطقه فاقد کوهستان بوده، این نوع کوچ نشینی "افقی" نامیده شده است. امروزه خوزستانیهای عرب زیبان کشورمان کوچ نشینی افقی را که در عربستان رواج داشته، در این منطقه توسعه داده اند. اصطلاح کوچ افقی در دشت میشان و موسیان که همان میشان بوده است، رواج دارد. گامیش پروری در هورها^۱ و باتلاقها از جمله مشاغل مهاجران است.

ارتش سالارهای ایل مغول نیز سالها در ایران حکومت داشته و سنن و آداب کوچ نشینی خود را در سراسر کشورمان پراکنده کرده اند. مغولها بر حسب نوع معیشت و عادت ایلاتی خود از شهر و ساختمان بیزار بودند و بر همین اصل در طی سالها حکومت، شهر و بنایی نساختند. رتق و فتق امور آنها زیر چادرها و بیشتر در حال حرکت انجام می گرفت. ایلخانان آق قویونلو و قره قویونلو از پیکهای خارجی در زیر چادرها پذیرایی می کردند. گاهی دیده می شد سفیری از خارج که مذاکراتی با اوزن حسن داشت، چند روز او را از تبریز تا چمن سلطانیه تعقیب می کرد. مرکزیت یا پایتخت برای حکمرانان مغول به صورت کوچ بود و مکان ثابتی نداشت. اسامی و اصطلاحات مغولی و حتی مسکن و لباس آنها ملهم از طبیعت و حیوانات است. شکل لباس ایلخانان و مردم آن زمان مانند حیوان بوده و آنها بر روی کلاه خود شاخ حیوانات را کنار می گذاشتند. امروزه نیز لباس چوپانان مانند گذشته شبیه حیوانات است. چادرها نیز به شکل کوه، مناظر جغرافیایی، حیوان و دام بوده است. نام اشخاص و محلها از طبیعت و حیوانات سرچشمه می گرفته، مانند: چمنشی قوچی باشی، یموت، گوگلان و غیره. امروزه اصطلاحات زیادی در جغرافیای طبیعی و انسانی از مغولها در سراسر کشورمان باقی مانده که مردم شهر نشین نیز آنها را به کار می برند، مانند نام کوههایی چون قره داغ، سبیلان داغ،

۱- هور = نیزار است که وقتی خشک شود هویزه می نامند.

میشود داغ، آق داغ و دره‌هایی چون دره قره لو، آقاج و گردنه‌هایی چون وچاقلار، قره تپه و علی بلاغ در آذربایجان و نام‌هایی چون دریا، به‌غاز (خلیج)، چسای (رود) و انواع مراتع مانند بیلاق (مراتع تابستانی)، قشلاق (مراتع زمستانی)، تخت قاپو (اسکان)، بنچاق (سند) و اسامی کشورها و شهرهایی مانند بلغارستان، قرقیزستان، ترکمنستان، غازان و ارغون آباد، واژه‌های ایسل، ایلخان، آقاخان، خاتون بیک، ایل بیک و ایلغار (غارت) نیز از این جمله‌اند. به آداب و رسوم چون اسب سواری، تیراندازی، شکار و چپاول نیز می‌توان اشاره کرد. سمبل پرچم‌های کوچ نشینی مانند پرچم بَره سیاه و بَره سفید به ترتیب از ایلخانان قره قویونلو و آق قویونلو بوده است. غذاها و خوراکی‌هایی چون یوقورت، قره قوروت، قارشمیش نیز متعلق به کوچ نشینان مغولی است. در مورد صنایع قالی، قالیچه، گلیم، جاجیم، جنس و مواد آنها و نقش نگارشان از حیوانات و طبیعت بوده است. همچنین لباس و پوشاک و کلاه و چیزهایی از این قبیل که امروزه نیز مرسومند همه و همه بازمانده فرهنگ ایلخانان گذشته است.

مطالب و نایافته‌های فراوانی از تعاریف و سوابق تاریخی کوچ نشینان وجود دارد که فکر دانشمندان رشته‌های مختلف به ویژه جغرافیا را به خود معطوف داشته است. جغرافیدانان خارجی مانند دوپلاونول فرانسوی و یرت^۱، بوبک^۲، ایلرز^۳ آلمانی و جغرافیدانان ایرانی چون سهامی، بابلی پور فیکوئی و شفقی در ارتباط با کوچ نشینان ایران و جهان مدام با مسائل و پیچیدگی‌هایی روبرو می‌شوند که آنها را به تحقیق بیشتر پیرامون این گروه وا می‌دارد.

نتیجه‌ای که از این مقاله کوچک می‌توان گرفت، این است که فرهنگ غالب کوچ نشینان بر شهر نشینان، در طول تاریخ صدمه کمتری نسبت به سایر فرهنگها تحمل کرده است. برای اثبات این قضیه می‌توان گفت: از آنجا که هجومها و غارتها یا به عبارت دیگر جنگها بیشتر متوجه شهرها بوده، بنابراین فرهنگ یکجانشینی و شهر نشینی زودتر آسیب می‌دیده است. به

1- Wirth

2- Bobek

3- Ehlers

عنوان مثال همدان و اطرافش، کرج و حومه آن، ساوجبلاغ و کرمساران و روستاهای اطرافش به وسیله افشاریه و سلاجقه و شیراز و حومه‌اش به وسیله قشقائی‌ها متأثر شده است. در شهرهایی مانند گرگان، گنبد، بجنورد، قوچان شیروان و سایر نقاط دیگر ایران نیز این مساله صادق است.

این مقاله سرنخ تحقیقی است در ارتباط با ایلات و عشایر کشورمان که شاید در بررسیها و پژوهشهای عمیقتر بعدی بتوان با مشکلات و مسایل آنها آشنا شده تا از این راه برای بقا و دوام آنان که بخشی از اقتصاد دامداری کشور را تأمین می‌کنند، چاره‌ای اندیشید.

منابع فارسی

- ۱- افشارستانی، ایرج، مقدمه‌ای بر شناخت ایله‌ها، تهران، هما، ۱۳۶۶.
- ۲- خلف تبریزی، محمد حسین، فرهنگ برهان قاطع.
- ۳- لغت نامه دهخدا، ۵۰ ج، ج ۴۰.
- ۴- دوپلانول، جغرافیای انسانی شمال ایران، ترجمه سیروس سهامی.
- ۵- سهامی، سیروس، "اوج و حوض کوچ نشینی در ایران" مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی.
- ۶- سیاقی، دبیر، فرهنگ آندراج.
- ۷- عزتی، عزت‌الله، جغرافیای نظامی ایران، دانشکده علوم نظامی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۶.
- ۸- مشیری، سیدرحیم، "پراکندگی جغرافیای نومادیزم"، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۹۷-۹۸، ۱۳۵۶.
- ۹- مشیری، سیدرحیم، "مسائل نوین قبیل‌های نومادیزم"، مجله دانشنامه دوره عالی تحقیقات ش ۲، ۱۳۶۶.
- ۱۰- فرهنگ معین، ۶ ج، ج ۳، امیر کبیر، ۱۳۶۴.
- ۱۱- ورجاوند، پرویز، بررسی ایلات و عشایر ایران.
- ۱۲- ودیعی، کاظم، جغرافیای انسانی ایران، تهران، دانشگاه تهران ۱۳۴۹.

منابع خارجی

- 1- A.Beuermann, Formen der Fernweidewirtschaft in Südosteuropa. Verhandl. dt. Geographentag Berlin, Wiesbaden 1960.
- 2- H. Bobek, Soziale Raumbildung am Beispiel des Vorderen Orients. Verhandl. dt. Geographentag München, Landshut 1950.
- 3- H. Boesch, Nomadismus, Transhumanz und Alpwirtschaft. Die Alpen, 27, 1951.
- 4- W.D. Hütteroth, Bergnomaden und Yaylabauern im mittleren Kurdischen Taurus. Marburger Geogr. Schriften, II, 1959.
- 5- A. Leidlmair, Umbruch und Bedeutungswandel im nomadischen Lebensraum des Orients, Geogr. Zeitschrift, 53, 1965.
- 6- X. de Planhol, Nomads et pasteurs. I— 5. Revue géographique de l'Est. 1961—65.
- 7- C. Ratbjens, Karawanenwege und Pässe im Kulturlandschaftswandel Afghanistans seit dem 19. Jahrhundert. Wissmann-Festschrift, Tübingen 1962.
- 8- H. Ublig, Typen der Bergbauern und Wanderhirten in Kaschmir und Jaunsar-Bawar. Verhandl. dt. Geographentag Köln. Wiesbaden 1962.
- 9- H. von Wissmann, Ursprungsherde und Ausbreitungswege der Pflanzen - und Tierzucht und ihre Abhängigkeit von der Klimageschichte. Erdkunde, II, 1957.